

تجدید نظر در دیپلماسی خارجی؛ درس‌های تجربه یا تداوم اشتباهات؟

روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: تجربه دور شدن از سیاست بنیادین تعامل در روابط خارجی آیا تجربه مثبتی بود یا باید در آن تجدید نظر صورت بگیرد؟

به گزارش سایت خبری پُرسون، برتری «تجربه» از «علم»، یکی از بزرگ‌ترین و مفیدترین دستاوردهای بشر در طول تاریخ است. این برتری به معنای بی‌ارزش یا کم‌ارزش بودن «علم» نیست، بلکه به این معناست که از ترکیب علم و عمل، نتیجه‌ای به دست آمده که صحت آن تضمین شده است.

این دستاورد بسیار مهم و ارزشمند، در حکمرانی کاربرد بیشتری دارد بطوری که می‌توان آن را یکی از مفیدترین ابزارهای مدیریتی برای پیشبرد اهداف نظام‌های سیاسی دانست. کاربردی بودن تجربه، اختصاصی به مدیریت داخلی جوامع ندارد و شامل روابط بین‌الملل نیز می‌شود و چه بسا بتوان گفت در سطح جهانی کاربرد بیشتری دارد. به همین دلیل است که بسیاری از قوانین و مقررات بین‌المللی با استفاده از دستاوردهای تجربی دولت‌ها و جوامع مختلف تدوین و به کار بسته شده‌اند.

نظام جمهوری اسلامی در روابط بین‌الملل دارای تجربه طولانی‌مدتی است که می‌تواند آن را مبنای عمل خود برای تدوین اصول سیاست خارجی قرار دهد. مسئولان نظام نباید در این واقعیت تردید کنند که به تجدید نظری اساسی در دیپلماسی خارجی نیاز دارند. بدون تجدید نظر در دیپلماسی خارجی، ما نمی‌توانیم اهداف پیش‌بینی شده در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی را محقق سازیم و در سطح بین‌المللی منافع ملی ایران را تامین نمائیم.

تجربه‌ای که در چند دهه اخیر در روابط بین‌الملل به دست آورده‌ایم اینست که با تکیه بر سیاست تعامل می‌توان به اهداف نظام رسید و منافع ملی کشور را تامین کرد. تعامل مورد نظر دارای سه اصل است که هر سه باید بطور کامل رعایت شوند. این سه اصل عبارتند از رابطه، گفتگو و توازن.

اصل رابطه، مقرر می‌دارد نظام جمهوری اسلامی با تمام کشورها و دولت‌ها غیر از دولتی که نامشروع باشد، دارای روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... باشد. این رابطه، مشروط به انتساب دولت‌ها به دین، مکتب، قومیت، نژاد و سایر ویژگی‌ها از قبیل شرقی یا غربی بودن و تعلق به جغرافیای خاص یا مجموعه خاص داشتن نیست.

اصل گفتگو به عنوان یک ابزار عقلانی که مهم‌ترین پایه روابط انسانی را تشکیل می‌دهد باید مورد استفاده دولت باشد. گفتگو در شرایط عادی برای گسترش روابط لازم است و در شرایط بحرانی برای رفع تخاصم و تبدیل کردن تهدید به فرصت مورد استفاده قرار گیرد.

اصل توازن، ضامن رعایت اعتدال در سیاست خارجی است. نظام سیاسی فقط زمانی می‌تواند منافع ملی کشور را تامین و تضمین کند که در برقراری رابطه با قدرت‌های خارجی، توازن را رعایت کند و در گرایش به یکی از دو اردوگاه دچار افراط و نسبت به دیگری دچار تفریط نشود.

آنچه در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی درباره سیاست خارجی مقرر شده، تعامل با تمام دولت‌ها براساس اصول سه‌گانه رابطه، گفتگو و توازن است که در فصل دهم این قانون آمده و تبلور آن، مبنای دقیق و پایه‌ای معروف «نه شرقی & نه غربی» است که بر سر در وزارت امور خارجه کشورمان نقش بسته است. نظام جمهوری اسلامی در سال‌های دهه اول عمر خود به این سیاست پای‌بندی نشان داد ولی به تدریج از آن فاصله گرفت.

اکنون سوال اینست که تجربه دور شدن از سیاست بنیادین تعامل در روابط خارجی آیا تجربه مثبتی بود یا باید در آن تجدید نظر صورت بگیرد؟ پاسخ به این سوال از طریق کنکاش در بخش‌های مختلف روابط با شرق و غرب، نوع عملکرد در تعامل با کشورهای منطقه، سیاست اعمال شده در جبهه مقاومت و چگونگی رفتار با همسایگان می‌توان جستجو کرد.